

ساخت هجا در زبان هورامی (گویش هورامان تخت)^۱

عالیه کرد زعفرانلو کامبوزیا

دانشیار گروه زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس

سید مهدی سجادی^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

ساخت هجا در هر زبانی طبق قواعد خاص آن زبان صورت می‌پذیرد. هدف از نگارش این مقاله، بررسی و توصیف همخوان‌ها و واکه‌ها، ساختمان هجا و خوشه‌های همخوانی در زبان هورامی (گویش هورامان تخت) است که یکی از اعضای خانواده زبان‌های ایرانی نو شاخه شمال غربی است. برای گردآوری داده‌ها با پنج نفر گویشور بومی از زن و مرد، بی‌سواد و باسواد، در بین سنین سی تا هفتاد سال در حدود پنج ساعت ثبت و ضبط داده‌ها انجام شده است. به‌علاوه، از شمّ زبانی یکی از نگارندگان که گویشور بومی این گویش است و همچنین منابع مکتوب در این زمینه استفاده شده است. پژوهش به صورت همزمانی انجام گرفته و روش آن، توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها براساس الفبای آوانویسی بین‌المللی IPA آوانگاری شده‌اند. در پایان، ۳۰ همخوان و ۸ واکه ساده شناسایی شدند. از دیگر نتایج این تحقیق، تعیین ساخت هجا در این گویش است که در زیرساخت به صورت (C)(C)V(C)(C) می‌باشد. خوشه بیش از دو همخوانی چه در جایگاه آغازی و چه در جایگاه پایانی هجا وجود ندارد. در ساخت‌های هجایی با یک همخوان در آغاز، همخوان‌های /t/، /t̪/ و /l/ نمی‌توانند در آغاز هجا قرار گیرند. در این گویش، همخوان هجایی وجود ندارد و تنها واکه‌ها در هسته هجا ظاهر می‌شوند.

کلید واژه‌ها: زبان هورامی؛ گویش هورامان تخت؛ ساختمان هجا؛ خوشه همخوانی؛ همخوان؛ واکه.

۱ - مقدمه

هورامی گویشی گورانی و یکی از اعضای خانواده زبان‌های ایرانی نو شاخه شمال غربی است که در منطقه‌ای به نام هورامان در دو کشور ایران و عراق بدان تکلم می‌شود. گویشوران هورامی در ایران، در دو استان کردستان و کرمانشاه ساکن‌اند. در مورد تقسیم‌بندی کردی به گویش‌های مختلف، نظرات متفاوتی از سوی پژوهشگران و صاحب‌نظران ابراز شده است، اما آنچه که اکثر آنان درباره‌اش اتفاق نظر دارند تقسیم کردی به چهار شاخه کرمانجی، گورانی-زازایی، لری و کلهری یا کرمانشاهی است (رخزادی، ۱۳۹۰: ۳۷)، (طیبی، ۱۳۸۸: ۲۴۱) و (تابانی، ۱۳۸۰: ۴۲۳). لیزنبرگ^۳ (۱۹۹۲: ۱۴) معتقد است که هورامی با زبان فارسی باستان و اوستایی شباهت دارد. عده‌ای بر این باورند که هورامی شاید همان زبان تاجیک باشد که زمانی در ایران مرکزی و کردستان جنوبی، زبان قومی محلی و غیر کرد بوده است (زکی بیگ، ۱۳۸۱: ۲۳۱). برخی دیگر هورامی را جزو اصیل‌ترین زبان‌های قدیمی ایران و بازمانده زبان‌های پهلوی و اوستایی می‌دانند (معین، ۱۳۷۶: ۲۱۳). طیبی (۱۳۸۸: ۲۴۱) درباره هورامی می‌گوید: «از شاخه‌های اصلی کردی، کردی هورامی (گورانی) است. شعب [گویش‌های] این زبان عبارتند از: ۱) گویش زازا در ایلات آذربایجان غربی و سردشت و عشایر کرد ترکیه در دیاربکر و ارزنجان؛ ۲) گویش هورامان لهون؛ ۳) گویش هورامان تخت؛ ۴) گویش زاوه‌رودی؛ ۵) گویش پاوه و قسمتی از جوانرود؛ ۶) گویش گورانی قدیم که زبان کتابت کتب دینی طوایف اهل حق بوده است؛ ۷) «ماچو ماچو» که گویش سادات اهل حق است و ویژگی مذهبی دارد؛ ۸) گویش گهواره‌ای قدیم؛ ۹) گویش گوره‌جویی قدیم؛ ۱۰) گویش بیوه‌نجی قدیم؛ ۱۱) گویش قلاعی؛ ۱۲) گویش کندوله؛ و ۱۳) گویش باجلان از اکراد عراق مقابل دشت زهاب.

مدرسی (۱۳۹۱: ۱۶۹) می‌گوید: «مهم‌ترین و معمول‌ترین معیار زبان‌شناختی برای تشخیص زبان از گویش، معیار فهم‌پذیری متقابل یا قابلیت فهم متقابل است.» بر این اساس باید گفت که هورامی یک زبان است چرا که گویشوران دیگر گویش‌های کردی قادر به درک آن و تکلم به آن نیستند، به‌علاوه، هورامی از نظر آوایی، واژگانی و نحوی تفاوت‌های

فاحشی با دیگر گویش‌های کردی دارد تا جایی که برخی از پژوهشگران از جمله ارانسکی^۴ (۳۱۱:۱۳۵۸) و مکنزی^۵ (۱:۱۹۶۶)، آن را زبانی مستقل دانسته و برخی از ویژگی‌های آن را حاکی از رابطه آن با لهجه‌های مرکزی ایران (سمنانی) و سرزمین فارس (سیوندی) و نیز کرانه خزر می‌دانند.

گوشی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته گوش هورامان تخت است. گوش هورامان تخت، گوش مردمان شهر هورامان تخت و روستاهای کلجی (kaldzi)، نوین (nven)، ورگه‌ویر (vargavəjari)، سلین (slena)، ژیوار (zivar)، بلبر (bəlbar)، سرپیر (sarupiri)، ویسیان (wajsja)، رودبیر (fwavare)، کماله (kamala)، دره کی (darawkje)، دیمو (dajmajava)، دزلی (dəzəljə)، بهرام‌آباد (baramava)، دورود (duru)، رزاب (fazaw)، کرآباد (karava)، خانقاه (xanaga) و دل (dal)، از توابع شهرستان سروآباد در استان کردستان می‌باشد که مجموعاً حدود ۵۰ هزار نفر جمعیت دارند (محمدپور، ۱۳۹۲:۱۲۷). لازم به توضیح است که به علت کوهستانی و صعب‌العبور بودن منطقه، میزان مهاجرت از آن به شهرهای اطراف زیاد است و در صورت احتساب جمعیت مهاجرین، میزان جمعیت مسلماً بیش از عدد مذکور می‌باشد. شایان ذکر است که گستره جغرافیایی این گویش دارای مرز قاطع و مشخصی نیست، چه بسا در مناطقی که گویش‌های دیگر تکلم می‌شود گویشوران گویش هورامان تخت نیز وجود داشته باشند و برعکس؛ به عبارت دیگر، تقسیم‌بندی گویش‌ها حالت پیوستاری دارد و این امری طبیعی است. این پژوهش به بررسی ساخت هجا، خوشه‌های همخوانی، تعداد همخوان‌ها و واکه‌ها در گویش هورامان تخت می‌پردازد.

برای گردآوری داده‌ها، از شم زبانی یکی از نگارندگان، مصاحبه با چندین گویشور در رده‌های سنی مختلف و نیز منابع مکتوب در این زمینه استفاده شده است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. برای آوانویسی داده‌ها از الفبای آوانویسی بین‌المللی IPA استفاده شده است. پرسش‌هایی که این تحقیق در صدد پاسخ دادن به آنها است عبارتند از:

(۱) تعداد همخوان‌ها و واکه‌ها در گویش هورامان تخت چند تاست؟

۲) ساختمان هجا در این گویش چگونه است؟

۳) خوشه‌های همخوانی این گویش کدامند؟

۲- پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ پژوهشی زبان‌شناختی درباره گویش هورامان تحت صورت نگرفته است اما در مورد دیگر گویش‌ها به ویژه گویش هورامان لهون و پاوه‌ای چندین اثر، از جمله کتاب و پایان نامه، چاپ و منتشر شده است. در این بخش، نخست به برخی از پژوهش‌های صورت گرفته درباره هجا، ساختمان و انواع آن در زبان‌های مختلف و بویژه زبان فارسی و سپس زبان هورامی (گویش‌های غیر از گویش هورامان تخت) به اختصار اشاره می‌شود.

۲-۱- برخی پژوهش‌های انجام شده درباره هجا و ساخت آن در زبان‌های مختلف

اسپنسر^۶ (۱۹۹۶) به ساخت هجا اشاره کرده و درباره اهمیت مطالعه و بررسی ساخت هجا در زبان انگلیسی و دیگر زبان‌ها دلایلی را بیان نموده است. کتفورد^۷ (۲۰۰۱) به بحث درباره هجا پرداخته و می‌گوید وی بر این باور است که در تعریف هجا باید فعالیت آغازشی^۸ شش‌ها مورد توجه قرار گیرد. مشکوة‌الدینی (۱۳۸۵) ساخت هجا را در زبان فارسی بررسی نموده و بیان می‌دارد که ساخت هجایی در هر زبانی به صورت کم و بیش ویژه‌ای ظاهر می‌شود و بررسی واژگان زبان‌های گوناگون حاکی از آن است که برخی ویژگی‌های ساخت هجایی واژه در همه زبان‌ها یکسان است. وی بر این باور است که در زبان فارسی واژه‌ها از یک تا پنج هجا را شامل می‌شوند: واژه‌های تک هجایی، دو هجایی، سه هجایی، چهار هجایی و پنج هجایی. ثمره (۱۳۸۶) به ساخت هجا و انواع آن در زبان فارسی پرداخته است و می‌گوید که هجا در فارسی یک رشته آوایی پیوسته است که از یک واکه و یک تا سه همخوان تشکیل می‌شود. وی معتقد است که در زبان فارسی سه نوع هجا وجود دارد: CV، CVC و CVCC. حق شناس (۱۳۸۶) نیز که ساخت هجا و انواع آن را در زبان فارسی مورد بررسی قرار داده، می‌گوید که هجا در هر زبانی دارای انواعی است و آواشناسان

6. Spencer

7. Catford

8. initiatory activity

تعاریف متعددی درباره هجا بیان داشته‌اند، اما آنچه که بیشتر آنان درباره‌اش اتفاق نظر دارند تعریف هجا به عنوان «ضربان خودکار شش‌ها» است. وی هجا را در زبان فارسی به سه نوع کوتاه، متوسط و بلند تقسیم می‌کند.

۲-۲- برخی پژوهش‌های صورت گرفته درباره هجا و ساخت آن در زبان هورامی

نقشبندی (۱۳۷۵) در چارچوب واج شناسی زیا^۹ و جزء مستقل^{۱۰} و با نگرشی مختصه بنیاد^{۱۱} و رویکردی صوری مکانیکی به توصیف نظام آوایی گوش پاهای (گونه شهر پاه) پرداخته است. وی، فهرست وار و همراه با مثال‌هایی، نگاهی گذرا به ساخت هجا در گوش مذکور می‌اندازد و می‌گوید بر این باور است که در گوش پاهای، هجایی که با واکه آغاز شود یا متشکل از یک واکه واحد بدون همخوان باشد، به عبارت دیگر؛ V ، VC و VCC و مواردی از این دست، وجود ندارد. وی همخوان‌های گونه مزبور را ۲۸ همخوان و واکه‌های آن را ۸ واکه می‌داند. در اثر مذکور اشاره‌ای به خوشه‌های همخوانی نشده است. سپنجی (۱۳۸۸) نظام آوایی گوش پاهای را در چارچوب کاربرد عملی آواها و به صورت توصیفی- تحلیلی بررسی و توصیف کرده است. وی در مورد ساخت هجا در گوش مورد بررسی‌اش می‌نویسد که ساخت هجا در این گوش به صورت $(C)CV(C)(C)$ می‌باشد. به باور وی تعداد همخوان‌های این گوش ۲۹ و تعداد واکه‌های آن ۱۵ (۹ واکه ساده و ۶ واکه مرکب) است. وی به خوشه‌های همخوانی اشاره‌ای نکرده است. سلیمی (۱۳۹۲) نیز بر اساس نظریه ساخت‌گرایی و به صورت توصیفی- تحلیلی به بررسی و توصیف گوش پاهای پرداخته است. وی در فصل دوم از کتاب خود که شامل شش فصل است و به توصیف واجی گوش مذکور اختصاص دارد ساخت هجا را در این گوش به صورت گذرا معرفی می‌کند و می‌گوید که کمترین هجا V و بلندترین هجا $CCVCC$ است که به ترتیب در فرمول $(C)(C)V(C)(C)$ نشان داده می‌شود. وی همخوان‌های گوش مزبور را ۲۸ همخوان و واکه‌های آن را ۱۵ واکه (۹ واکه ساده و ۶ واکه مرکب) می‌داند. وی نیز درباره خوشه‌های همخوانی سخنی به میان نیاورده است.

9. generative phonology

10. autosegmental phonology

11. feature based

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این پژوهش‌ها به ساخت هجا در روساخت، نه زیرساخت، پرداخته‌اند. به علاوه، هیچ کدام از این آثار، خوشه‌های همخوانی را بررسی نکرده‌اند و در مورد تعداد همخوان‌ها و واژه‌ها نیز اتفاق نظر ندارند. البته منابع دیگری نیز وجود دارند که آنها نیز اکثراً راجع به گویش هورامان لهون یا پاوه‌ای می‌باشند و به علت محدودیت حجم مقاله از ذکر آنها خودداری می‌شود. همانطور که پیشتر نیز ذکر شد تاکنون هیچ تحقیقی راجع به گویش هورامان تخت صورت نگرفته است و این شاید نخستین پژوهش در این زمینه باشد.

۳- معرفی همخوان‌ها و واژه‌های گویش هورامان تخت

همخوان‌ها و واژه‌های این گویش قبلاً در قالب جفت‌های کمینه^{۱۲} بررسی شده‌اند و در این جا برای جلوگیری از اطاله کلام، هر همخوان یا واژه در سه جایگاه آغازی، میانی و پایانی واژه که در ادامه می‌آید، معرفی می‌شود. گویش مورد بررسی مجموعاً دارای ۸ واژه ساده و ۳۰ همخوان است که به ترتیب، در جدول‌های شماره ۱ و ۲ آمده‌اند.

۳-۱- توصیف همخوان‌ها

/b/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
پشت بام	[ban]	بخاری	[soba]	خراب، بدجنس	[qatb]

/p/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
عجله	[pala]	قیافه، شکل	[tapo]	دکمه	[qotp]

/m/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
موش	[mfa]	عمو	[mamo]	مزه	[tam]

/f/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
ژاکت	[fanila]	سیل	[lafaw]	گونی بزرگ	[frif]

/v/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
باران	[varan]	پیشانی	[taveʔa]	آبشار	[tav]

/t/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
سنگ	[tavani]	پدر	[tata]	شیر خوردنی	[ʃot]

/d/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
آشکار	[dʒar]	جانشین، مفید	[jaqadar]	گوشت	[goʒd]

/n/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
ناف	[naha]	چشمه	[hana]	چندش آور	[qizavən]

/s/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
قرمز	[sur]	لاک پشت	[kisafi]	غلیظ	[has]

/z/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
روئیدن	[zəjɑj]	گردو	[wazi]	بلند	[barz]

/l/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
بینی	[luta]	داخل، درون	[dle]	سیخ (شده)	[bal]

/k/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
-	-	خواهر	[wate]	کلید	[kreʔ]

/r/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
-	-	اشک	[harsi]	آتش	[ʔavir]

/ʔ/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
روباه	[ʔvasa]	ته دیگ	[bnakəʔna]	پیچ	[dʒaʔ]

/ɰ/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
-	-	مادر	[ʔa.ɰɑ]	او (مذکر)	[ʔa.ɰ]

/ʃ/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
دیوانه	[ʃet]	خروس	[kaʃaʃir]	سهم	[baʃ]

/z/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
کبک	[ʒaraʒi]	خرچنگ	[qaʒəŋgi]	شیب دار	[lez]

/j/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
خانه	[jana]	عمه، خاله	[matja]	گوسفند	[maj]

/tʃ/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
سوزن	[tʃani]	دختر	[knaʃfe]	پا	[qatʃ]

/dʒ/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
دفعه	[dʒar]	پیراهن	[gdʒi]	چانه	[zəndʒ]

/k/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
صحراء، بیابان	[kaʃ]	انگشت	[golka]	کلیه	[vətk]

/g/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
گریه کردن	[grəvɔj]	روستا	[daga]	زنبور عسل	[hang]

/w/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
عروس	[wajwa]	چوپان	[ʃwana]	فصیح، روان	[paraw]

/q/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
مجرد	[qazaχ]	پنجره	[dalaqa]	خیره	[waq]

/ɣ/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
ظلم	[ɣadər]	غرق، گرفتار	[noɣro]	-	-

/χ/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
دعوت	[χoʔka]	آشغال	[ʃa χaʔ]	سرحال، شاد	[damaχ]

/h/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
روسری	[haqɑʔ]	بی‌درو پیکر	[ʃəfha]	فلز روی	[roh]

/ʕ/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
خوب	[ʕɑ]	شیر آب	[baloʕa]	سرزنش	[manʕ]

/ʔ/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
امروز	[ʔaro]	-	-	-	-

/h/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
قارچ	[halʃi]	بهار	[vahr]	-	-

۲-۳- توصیف واژه‌ها

/a/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
آنجا	[ʔaqa]	داماد	[zama]

/a/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
کار	[harmana]	سگ	[tuta]

/i/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
عاقل، دانا	[ʒir]	سیب	[savi]

/e/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
تخم مرغ	[heta]	آری	[ʔare]

/ə/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
دزد	[dəz]	برادران	[brə]

/u/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
عمیق	[quʔ]	شوهر	[ʃu]

/o/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
آستین	[qoʔ]	دایی	[lalo]

/ɔ/

معنی فارسی	آوانویسی هورامی	معنی فارسی	آوانویسی هورامی
جوش (آب)	[qɔʔ]	می‌رود	[mlɔ]

همخوان‌های /t/، /f/، /l/، /w/، /k/، /h/، /ʁ/ و واکه‌های /ɔ/ و /ə/ در زبان فارسی وجود ندارند و به جای آنها به ترتیب از /l/، /r/، /d/، /v/، /g/، /h/، /ʒ/، /o/ و /e/ استفاده می‌شود. واکه /ɔ/ نسبت به واکه /o/ کوتاه‌تر است و واکه /u/ از هر دو کشیده‌تر است. واکه‌های /u/ و /o/ در زبان فارسی وجود دارند اما واکه /ɔ/ وجود ندارد، مانند /qot/ به معنی «آستین» و /qot/ به معنی «جوش (آب)» و /qut/ به معنی «عمیق».

/l/ همخوان لثوی، واکدار، کناری و پیشین است و با /l/ فارسی تفاوتی ندارد و در ابتدا، میانه و پایان واژه ظاهر می‌شود، اما /t/ همخوان لثوی، واکدار، کناری، پسین و نرم‌کامی شده است. این واج در فارسی وجود ندارد. شیوه تولید آن تقریباً مانند /t/ انگلیسی در واژه‌هایی مثل «apple» با تلفظ /æpt/ به معنی «سیب» است. در ابتدای واژه نمی‌آید و تنها در میان و پایان واژه دیده می‌شود مانند /mla/ به معنی «گردنه» و /mla/ به معنی «موش».

/r/ همخوان لثوی، واکدار، تکریری و مانند /r/ در فارسی است. در ابتدای واژه نمی‌آید، جایگاه آن در میان و پایان واژه است. /f/ همخوان لثوی، واکدار و غلتان است. شیوه تولید آن تقریباً مانند /r/ در واژه انگلیسی «read» با تلفظ /ri:d/ به معنی «خواندن» است. این واج در فارسی وجود ندارد. در ابتدا، میانه و پایان واژه ظاهر می‌شود. /l/ همخوان ناسوده، دندانی، واکدار، نرم و پیوسته است. در تولید آن، نوک زبان به دندان‌های بالا نزدیک می‌شود بدون اینکه با آنها تماس پیدا کند. این واج در فارسی و انگلیسی وجود ندارد. در ابتدای واژه نمی‌آید تنها در میان و پایان واژه به چشم می‌خورد. مانند /bora/ به معنی «صدای ماشین»، /bora/ به معنی «سیاه، سیاهه» و /boia/ به معنی «رنگ روغنی».

جدول شماره ۱: واکه‌های گویش هورامان تخت

پیشین	مرکزی	پسین	
i		u	افراشته
e	ə	o	میانی
a		ɑ	افتاده

جدول شماره ۲: همخوان‌های گوش هورامان تخت

محل تولید شيوه توليد	دولبی	لب و دندانانی	دندانانی	لثوی	لثوی کامی	کامی	نرمکامی	ملازی	حلقی	چاکنایی
انسدادی	b p		t d				k g	q		ʔ
سایشی		f v		s z	ʒ ʃ			χ ʁ	ħ	h
انسایشی					tʃ dʒ					
خیشومی	m			n						
کناری				l						
کناری نرمکامی شده ^{۱۳}				ɭ						
تکریری ^{۱۴}				r						
غلطان ^{۱۵}				ʀ						
غلت (نیم واکه) ^{۱۶}						j	w			
ناسوده ^{۱۷}			.i							

◀ در هر خانه، همخوان‌های سمت راست یا بالایی واکدار و همخوان‌های سمت چپ یا پایینی بی‌واک هستند.

۴- هجا و ساختمان آن

در مورد هجا تعاریف مختلفی ارائه شده است. کتفورد (۲۰۰۱: ۱۶۹) هجا را ضربان کمینه فعالیت آغازشی می‌داند. اگریدی^{۱۸} و همکاران (۱۳۸۶: ۱۱۵) هجا را اینگونه تعریف می‌کنند: «هجا از یک هسته هجایی که معمولاً یک واکه است و واحدهای صوتی غیر هجایی وابسته به آن تشکیل می‌شود. هرگاه اهل یک زبان هجاهای یک واژه را می‌شمارند آگاهی خود را از این واحد ساخت واجی نشان می‌دهند. هر زبان ساخت هجایی خاص

13. velarized lateral

14. trill

15. rolled

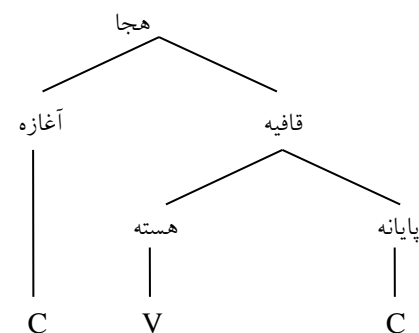
16. glide(semi-vowel)

17. approximant

18. O,grady

خود را دارد.» کریستال^{۱۹} (۲۰۰۳: ۴۴۷) در مورد هجا می‌گوید: «هجا یک واحد آوایی بزرگتر از یک آوا و کوچکتر از یک واژه است.»

منظور از ساختمان هجا این است که یک هجا دارای چه اجزایی است؟ نحوه ترتیب و قرار گرفتن اجزای آن چگونه است؟ و چه قوانینی بر نحوه شکل‌گیری و ترکیب اجزای یک ساخت هجایی حاکمند؟ (کریمی دوستان، ۱۳۸۱: ۳). واجشناسان بر اساس مطالعات و بررسی‌های به عمل آمده در مورد هجا در زبان‌های مختلف به این نتیجه رسیده‌اند که هجا، همان‌گونه که در شکل زیر ترسیم شده است، از دو جزء آوایی به نام‌های آغاز^{۲۰} و قافیه^{۲۱} تشکیل می‌شود و جزء دوم یعنی قافیه خود به دو جزء دیگر یعنی قله (هسته)^{۲۲} و پایانه^{۲۳} تقسیم می‌شود. حرف C کوتاه شده واژه «consonant» و حرف V کوتاه شده واژه «vowel»، به ترتیب معادل فارسی «همخوان» و «واکه» می‌باشد.



نمودار شماره ۱: ساختمان هجا

بنابراین آغاز و پایانه از همخوان و هسته از واکه و در برخی از زبان‌ها از همخوان هجایی، تشکیل می‌شود. در حقیقت آنچه باعث تشکیل انواع هجاهای مختلف می‌شود مسئله وجود یا عدم آغاز و پایانه است. وجود هسته برای هر هجا ضروری است، اما پایانه و آغاز می‌توانند تهی باشند، به عنوان مثال واژه انگلیسی «to» به معنی «به» و با تلفظ /:tu/

-
- 19. Crystal
 - 20. onset
 - 21. rhyme
 - 22. peak (nucleus)
 - 23. coda

هجایی است که در آن پایانه تهی و واژه «I» به معنی «من» و با تلفظ /ai/ هجایی است که در آن هم آغاز و هم پایانه تهی اند و تنها دارای هسته است. آغاز و پایانه می‌توانند تهی باشند و یا از یک یا چند همخوان تشکیل شوند. اینک پس از معرفی ساختمان هجا و شیوه تشکیل انواع هجا، به بررسی ساختمان هجا در گوش هورامان تخت می‌پردازیم. هر ساخت هجایی همراه با سه مثال در این گوش معرفی می‌شود. لازم به توضیح است که علامت پرائتز به این معناست که همخوان داخل آن می‌تواند حضور داشته باشد یا نداشته باشد.

۵- هجا و ساختمان آن در گوش هورامان تخت

۵-۱- ساخت هجایی V

این ساخت تنها دارای هسته است و آغاز و پایانه ندارد. واژه‌هایی که در زیرساخت با واکه شروع می‌شوند بدون (C) آغازی هستند اما در روساخت در جایگاه آغازی یک انسدادی چاکنایی [ʔ] درج می‌شود. این انسدادی چاکنایی یا همزه از طریق واژگان قرضی از زبان عربی وارد زبان فارسی و هورامی شده و در هیچ کدام از واژه‌های این زبان‌ها غیر از جایگاه آغازی همزه وجود ندارد. وقتی که به واژه‌هایی که با همزه شروع می‌شوند پیشوندی بیفزاییم همزه حذف می‌شود و این بیانگر آن است که همزه در زیرساخت واژه وجود ندارد (کامبوزیا، ۱۳۸۸: ۲۷۷)؛ مانند [ʔahanʃ] که با افزودن پیشوند [bad] به آن، همزه حذف می‌شود /badʔahanʃ/. علامت (\$) نشان‌دهندهٔ مرز هجا است.

معنی فارسی	روساخت هجا در هورامی	زیرساخت هجا در هورامی	ساختمان هجا در هورامی
آب	[ʔa\$vi]	/a\$vi /	V
امروز	[ʔa\$ro]	/a\$ro/	V
آمد	[ʔa\$ma]	/a\$ma/	V

۵-۲- ساخت هجایی CV

تقریباً در همهٔ زبان‌ها این ساخت وجود دارد، یعنی ساختی که دارای یک همخوان در آغاز و یک واکه در هسته است ولی پایانه ندارد و پایانهٔ آن تهی است.

معنی فارسی	روساخت هجا در هورامی	زیرساخت هجا در هورامی	ساختمان هجا در هورامی
زن	[za\$ni]	/za\$ni /	CV
پا	[pa]	/pa /	CV
مرغ خانگی	[kar\$ga]	/kar\$ga /	CV

۳-۵- ساخت هجایی CCV

ساختی که دارای دو همخوان در آغاز و یک واکه در هسته است ولی پایانه آن تهی است؛ به عبارت دیگر، ساختی که دارای خوشه دوهمخوانی آغازی است. هر چند وجود خوشه دوهمخوانی در آغاز هجا از ویژگی‌های زبان‌های ایرانی باستان و زبان پهلوی است اما هنوز در بسیاری از گونه‌های کردی و هورامی باقی مانده ولی در فارسی معیار از بین رفته است.

معنی فارسی	روساخت هجا در هورامی	زیرساخت هجا در هورامی	ساختمان هجا در هورامی
زیاد	[fra]	/fra/	CCV
برادر	[bra]	/bra/	CCV
دو (عدد)	[dve]	/dve/	CCV

۴-۵- ساخت هجایی VC

این ساخت، ساختی است که دارای یک واکه در هسته و یک همخوان در پایانه است و آغاز آن تهی است.

معنی فارسی	روساخت هجا در هورامی	زیرساخت هجا در هورامی	ساختمان هجا در هورامی
او (مذکر)	[?a.ɪ]	/a.ɪ /	VC
درد	[?eʃ]	/eʃ/	VC
این (مذکر)	[?e.ɪ]	/e.ɪ/	VC

۵-۵- ساخت هجایی VCC

ساختی است که دارای یک واکه در هسته و دو همخوان در پایانه است و آغازۀ آن تهی است یعنی دارای خوشۀ دوهمخوانی پایانی است.

معنی فارسی	روساخت هجا در هورامی	زیرساخت هجا در هورامی	ساختمان هجا در هورامی
آشتی	[ʔaʃt]	/aʃt/	VCC
خیانت	[ʔatk]	/atk/	VCC
زحمت	[ʔark]	/ark/	VCC

۵-۶- ساخت هجایی CVC

ساختی است که دارای یک همخوان در آغازۀ و یک همخوان در پایانه و یک واکه در هسته است.

معنی فارسی	روساخت هجا در هورامی	زیرساخت هجا در هورامی	ساختمان هجا در هورامی
تلخ	[taʃ]	/taʃ /	CVC
(بسیار) دانا	[fraʃzan]	/fraʃzan /	CVC
شور (مزه)	[soʃ]	/soʃ/	CVC

۵-۷- ساخت هجایی CVCC

در این ساخت، یک همخوان در آغازۀ، یک واکه در هسته و دو همخوان در پایانه وجود دارند.

معنی فارسی	روساخت هجا در هورامی	زیرساخت هجا در هورامی	ساختمان هجا در هورامی
سرد	[sar.ɪ]	/sar.ɪ /	CVCC
خشک	[wəʃk]	/wəʃk/	CVCC
صدا	[dang]	/dang/	CVCC

۵-۸- ساخت هجایی CCVC

این ساخت دارای دو همخوان در آغاز، یک واکه درهسته و یک همخوان در پایانه می‌باشد.

معنی فارسی	روساخت هجا در هورامی	زیرساخت هجا در هورامی	ساختمان هجا در هورامی
بیرون	[dʒbar]	/dʒbar/	CCVC
سیاه (رنگ)	[sjaw]	/sjaw /	CCVC
آشکار، مشخص	[djar]	/djar/	CCVC

۵-۹- ساخت هجایی CCVCC

ساختی است که دارای دو همخوان در آغاز، یک واکه در هسته و دو همخوان در پایانه است، به عبارت دیگر، دارای دو خوشه دوهمخوانی آغازی و پایانی است.

معنی فارسی	روساخت هجا در هورامی	زیرساخت هجا در هورامی	ساختمان هجا در هورامی
تفنگ	[tfang]	/tfang /	CCVCC
درخت	[draɣt]	/draɣt /	CCVCC
خشک خشک	[brenɡ]	/brenɡ /	CCVCC

با توجه به داده‌های بالا، ساختمان هجا در گویش هورامان تخت در زیرساخت به صورت (C)(C)V(C)(C) می‌باشد. در حالی که ساختمان هجا در زبان فارسی در زیرساخت به صورت (C)V(C)(C) است (حق شناس، ۱۳۸۶: ۱۳۹). در این گویش، خوشه بیش از دو همخوانی، چه در جایگاه آغازی و چه در جایگاه پایانی هجا، وجود ندارد. در ساخت‌های هجایی دارای یک همخوان در آغاز، همخوان‌های /t/، /t̪/ و /ɪ/ نمی‌توانند در آغاز هجا قرار گیرند. تفاوت ساختمان هجا در زبان فارسی و گویش هورامان تخت در این است که در گویش هورامان تخت، خوشه دو همخوانی می‌تواند در آغاز هجا بیاید ولی زبان فارسی فاقد خوشه دو همخوانی در جایگاه آغاز است و تنها یک همخوان می‌تواند در این جایگاه بیاید.

۶- خوشه‌های همخوانی

همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، در گوش هورامان تخت، چه در جایگاه آغازی و چه پایانی هجا، خوشه بیش از دو همخوانی وجود ندارد. اینک تعدادی از معمول‌ترین خوشه‌های دوهمخوانی آغازی و پایانی در این گوش معرفی می‌شوند

۶-۱- خوشه‌های دو همخوانی آغازی

همخوان اول	همخوان دوم			مثال و معنی فارسی
	r	ʀ	j	
f	fr	—	—	fra / زیاد
d	—	dr	dj	draj / خار djar / آشکار
p	—	pr	pj	praj / پریدن pja / مرد
dʒ	—	—	dʒj	dʒja / جدا
ʃ	ʃr	—	ʃj	ʃrif / گونی ʃjaj / مناسب بودن
b	br	br	—	bra / برادر bra / جمله
k	kr	—	kj	kreʃ / کلید kja / کانال
n	—	—	nj	njaʃ / کاشتن
m	mr	—	mj	mro / گلابی mjaw / صدای گربه
t	tr	—	—	travi / ترب

۶-۲- خوشه‌های دوهمخوانی پایانی

همخوان اول	همخوان دوم			مثال و معنی فارسی
	ɹ	ŋ	T	
n	—	ng	nt	زنبور عسل/hang لنت/lent
r	rɪ	rg	rt	سرد/sarɪ گرگ/varg کارت/kart

همخوان اول	همخوان دوم			مثال و معنی فارسی
	k	p	Z	
f	fɪk	-	-	بد ریخت/battafɪk
t	tk	-	-	خیانت/?atk
r	rk	rp	rz	زحمت/?ark شکستن/qorp بلند/barz
s	sk	sp	-	باریک/task بمباران/qasp
ɬ	ɬk	-	-	کمک/kɬk

۷- نتیجه‌گیری

در این پژوهش، همخوان‌ها و واکه‌ها، ساختمان هجا و خوشه‌های همخوانی گویش هورامان تخت بررسی و توصیف شدند. در پایان نتایج زیر به دست آمد:

۱) گویش هورامان تخت دارای ۳۰ همخوان و ۸ واکه ساده می‌باشد. در این گویش ۷ همخوان /ɬ/، /f/، /ɹ/، /w/، /h/، /k/، /t/ و دو واکه ساده /o/ و /ə/ وجود دارند که در زبان فارسی وجود ندارند و به جای آنها به ترتیب از /l/، /r/، /d/، /v/، /h/، /g/، /ʔ/، /o/ و /e/ استفاده می‌شود. صورت بیواک همخوان /g/ فارسی یعنی /q/ در این گویش وجود دارد.

همخوان‌های کامی /c/ و /ʃ/ فارسی در این گویش به صورت نرم‌کامی /k/ و /g/ تولید می‌شوند.

۲) ساختمان هجا در گویش هورامان تخت در زیرساخت به صورت (C)(C)V(C)(C) می‌باشد اما در زبان فارسی به صورت (C)V(C)(C) است. در این گویش خوشه‌ی بیش از دو همخوانی چه در جایگاه آغازی و چه در جایگاه پایانی هجا وجود ندارد. تفاوتی که ساختمان هجای گویش هورامان تخت با ساختمان هجای زبان فارسی دارد این است که در زبان هورامی خوشه‌ی دو همخوانی آغازی وجود دارد ولی زبان فارسی فاقد آن است.

۳) در ساخت‌های هجایی با یک همخوان در آغاز، همخوان‌های /h/، /ɾ/ و /l/ نمی‌توانند در آغاز هجا قرار گیرند.

منابع

- ارانسکی، ای. ام. (۱۳۵۸). *مقدمه فقه‌اللغه ایرانی*. مترجم: کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام.
- اگریدی، ویلیام و همکاران (۱۳۸۶). *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*. مترجم: علی درزی. تهران: انتشارات سمت.
- تابانی، حبیب‌الله (۱۳۸۰). *وحدات قومی کرد و ماد: منشأ، نژاد و تاریخ تمدن کردستان*. تهران: نشر گستره.
- ثمره، یدالله (۱۳۸۶). *آواشناسی زبان فارسی: آواها و ساخت آوایی هجا*. ویراست دوم. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۶). *آواشناسی (فونتیکی)*. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- رخزادی، علی (۱۳۹۰). *آواشناسی و دستور زبان کردی*. سنندج: انتشارات کردستان.
- زکی‌بیگ، محمدامین (۱۳۸۱). *زبده تاریخ کرد و کردستان*. مترجم: یدالله روشن‌اردلان. تهران: انتشارات توس.
- سپنجی، سعدی (۱۳۸۸). *آواشناسی زبان هورامی (پاوه)*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه رازی کرمانشاه.
- سلیمی، منصور (۱۳۹۲). *بررسی و توصیف زبان هورامی و گویش پاوه‌ای*. تهران: انتشارات احسان.
- طیبی، حشمت‌الله (۱۳۸۸). *مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- کامبوزیا، عالیه کرد زعفرانلو (۱۳۸۸). *واج‌شناسی: رویکردهای قاعده بنیاد*. تهران: سمت.
- کریمی‌دوستان، غلامحسین (۱۳۸۱). *ساختمان هجا در زبان کردی*، مجله علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳۵، شماره ۱ و ۲ (پیاپی ۱۳۶ و ۱۳۷)، ۱-۱۰.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). *تجربه‌نوسازی: مطالعه تغییر و توسعه در هورامان با روش نظریه زمینه‌ای*. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکوة‌الدینی، مهدی (۱۳۸۵). *ساخت آوایی زبان*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- معین، محمد (۱۳۷۶). *فرهنگ فارسی*. ۶ ج، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نقشبندی، شهرام (۱۳۷۵). *نظام آوایی گویش هورامی (گونه شهر پاوه) از دیدگاه واج‌شناسی زایشی و واج‌شناسی جزء مستقل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- Catford, J. C. (2001). *A Practical Introduction to Phonetics*. 2nd ed., Oxford University Press.
- Crystal, D. (2003). *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*. 5th ed., Oxford: Blackwell.
- Leezenberg, M. (1992). *Gorani Influence on Central Kurdish: Substratum or Prestige Borrowing?*, Retrieved from: <http://www.fwi.uva.nl/research/illc>.
- Mackenzie, D. N. (1966). *The Dialect of Awroman (Hawrāmān-ī Luhon): Grammatical sketch, Texts, and Vocabulary*, Denmark: København.
- Spencer, A. (1996). *Phonology*. Cambridge: Blackwell Publisher.